

== از کارل گتورک کون == طومارهای بحرالمیت

== استاد دانشگاه هایدلبرگ ==

کشف حیرت انگیز مجموعه‌ای کامل از متون خطی عبری و آرامی که در سال ۱۹۴۷ روی داد بار دیگر توجه عامه را به تاریخ مجهول و تاریک فرقه «اسنی» از فرق قدیم بهبود جلب کرد. درین سال طومارهایی متعلق به عهد عیسی و قرون قبل از عهد او در غارهایی واقع در کوههای شمال غربی بحرالمیت کشف شد.

در دو قرن هجدهم و نوزدهم میلادی احوال این فرقه موضوع تحقیقات جالب علماء و محققانی که کار آنها تحقیق در باب مسائل مربوط به کتابهای عهد جدید بود واقع گشت اما باید دید قبل از سنه ۱۹۴۷ از احوال این فرقه چه نکاتی معلوم بود؟ در آن زمان مأخذ عمده تحقیق درباره این فرقه یکی آثار «فیلو» بود دیگری آثار «جوزفوس».

فیلو دانشمندی یهودی از اهل اسکندریه بود که تاریخ وقایع بین سالهای ۲۰ تا ۴۰ میلادی را که در واقع عهد حیات عیسی است نوشت و جوزفوس تقریباً نیم قرن بعد از او در رم دست به تحریر زد.

آثار جوزفوس دو کتاب عمده است که یکی موسوم است به «تاریخ جنگ یهود» (۶۶ تا ۷۰ بعد از میلاد) و دیگری کتابی است به نام «تاریخ یهودیان».

تصویری اجمالی که در ذیل می‌آید خلاصه‌ایست از آنچه این دو نویسنده در این باره نوشته‌اند: بعد از دو فرقه فریسیان و صدوقیان، فرقه اسنی سومین فرقه دینی است که آخرین مرحله آئین یهود را در فلسطین نشان می‌دهد. مراد از این آخرین مرحله دوره‌ای است که از قرن دوم قبل از میلاد تا تخریب اورشلیم به دست تیتوس امپراطور رم دوام داشته است. این اسنی‌ها فرقه‌ای دینی بوده‌اند که تشکیلات مرتب و دقیقی داشته‌اند که در تمام مملکت شعبه‌هایی داشته است و در خالص نگاه داشتن مذهب خود تأکید تمام می‌کرده‌اند و این نکته را از طریق سعی در اجرای غسل‌ها و تطهیرات روزانه به جا می‌آورده‌اند. از این جهت در واقع یکی از فرقه‌های موسوم به اهل تعمید به‌شمار می‌آمده‌اند.

دومین نکته بارز در احوال این امت عبارت بوده است از قضیه صرف غذای مشترك که هر روز به منزله تشریفاتی مخفی در عزلتگاه خلوت خود انجام می‌داده‌اند. ریاست این مراسم مخصوص صرف غذا را يك روحانی برعهده می‌گرفت و این غذا، سادگی راهبانهای داشت. کسانی که مایل بودند در جرگه این فرقه در آیند می‌بایست نخست دو مرحله نوآموزی را طی کنند. طی مرحله اول مجوز ورود به مرحله اجرای مراسم تطهیر بود اما فقط آنها که از مرحله دوم گذشته بودند رخصت شرکت در مراسم صرف غذای مشترك را داشتند.

تمام دارائی افراد فرقه، مشترك و مشاع بود و کسانی که به عضویت فرقه درمی آمدند دارائی خصوصی خود را تقدیم جمع می کردند. اعضای فرقه مجرد بودند با این وجود به قول «جوز فوس» میان اسنی ها دسته ای نیز وجود داشته است که افراد آن ازدواج می کرده اند. اسنی ها در مراسم اجرای قربانی یهودیان در هیکل شرکت نمی کردند. همواره لباس سفید می پوشیدند و شرایع موسی را چنانکه در عهد عتیق آمده بود مخصوصاً در مورد رعایت روز سبت با نهایت دقت پیروی می کردند.

کتاب فرقه خودشان را مانند عهد عتیق محترم و عزیز می شمردند. قسم خوردن در معنای آنکه به وسیله عباراتی از قبیل «خدا شاهد است» چنانکه معمولست خداوند را بر صدق مقال خویش به شهادت بطلبند در نظر این فرقه ناروا شمرده می شد. قول مجرد و عاری از هر گونه تأکید در نظر آنها صادق و کاملاً معتبر بود.

حتی از همین خلاصه موجز که در باب مشخصات فرقه اسنی بیان شد بر خواننده معلوم خواهد بود که در واقع همانطور که بین این دسته با قدیمترین دسته های مسیحی اختلاف بارزی موجود بوده است همچنان میان هر دو فرقه يك عده خصوصیات مشترك نیز وجود داشته است فی المثل آیا برای اصل تعمید که به وسیله یحیای معمدانی توصیه شده است، و همچنین برای اشتراك اموال که در میان مسیحیان قدیم اورشلیم وجود داشته است بهیچ وجه، نمی شود نظایر دیگری در احوال اسنی ها یافت؟ و آیا نمی توان قول عیسی را در نهی از قسم خوردن که در ضمن موعظه کوه آمده است با شریعت اسنی ها در این باب مقایسه کرد.

نظر اهل علم در قرن نوزدهم همواره متوجه مقایسه ای میان مسیحیان قدیم با فرقه اسنی بود و بدین سبب «ارست زنان» نویسنده کتاب معروف «زندگی عیسی» در نیمه دوم قرن اخیر، فرقه اسنی را طلابه و پیشرو مسیحیت تلقی کرد. در سال ۱۹۰۰ «ادموند اشتایفر» حکیم و متکلم پرستان مذهب فرانسوی در عین آنکه اعتقاد خود را مبنی بر اینکه یحیای تعمید دهنده و عیسی هیچیک اسنی نبوده اند تأکید و تأیید می کرد مع هذا قبول کرد که پاره ای مشابهت ها میان فرقه اسنی و مسیحیان اولیه وجود داشته است.

در حال این فرضیه که عیسی خود از فرقه اسنی بوده است به سبب انتشار گزارش های

نا معقول در باب زندگی عیسی و خاصه آناری چون کتاب «ونتوری بی» که نخست در سال ۱۸۰۰ انتشار یافت و بعد نیز مکرر تجدید چاپ شد، خود تا حد زیادی سست و ضعیف گردید. در مقام بیان شاهی بر این مدعا ذکر قول «ونتوری بی» در باب «قیام از مردگان» کافی است. به موجب گفته وی عیسی را هنگامی که در قبر نهادند در واقع بهیچ روی مرده نبود، بلکه هنوز حیات داشت و پنهانی به وسیله برادران عضو فرقه از قبر به خانه ای که متعلق به فرقه بود منتقل شد و در آنجا شفایافت و دوفرشته ای هم که بالباسهای درخشان، قیام عیسی را از میان مردگان به زنانی که در کنار قبر بودند اطلاع دادند نیز می بایست در واقع دو تن اسنی بوده باشند که لباس های سفید خاص این فرقه را بر تن داشته اند.

تحقیقات دانشمندان دیگر اینگونه گواهی ها و اشتباه ها را که نظایر آنها کم نیست

به حق نفی و طرد کرد و فرضیه آنکه عیسی خود از فرقه اسنی بوده است بکلی امری مشکوک تلقی شد.

اشتایفر که پیش ازین هم نامش برده شد حق داشت که در ۱۹۰۰ گفته بود که تنها دو سطر مطلب به راستی معتبر و خالی از شک و تردید کافی است که به بصیرت و اطلاع ما در این باب بیفزاید. اما با این حال هنوز چنین متنی به دست نیامده است. آن آگاهی‌های متکی به معدک را که در عهد اشتایفر به دست نیامده بود امروز ما در دست داریم و آنهم نه تنها دو سطر. در سال ۱۹۴۷ کشفی اتفاقی به وسیله چند تن بدوی در درون غاری در دامنه صخره‌ای در صحرای یهودیه که کنار بحرالمیت قرار دارد انجام یافت و حاصل آن مقداری طومار به خط عبری بود که بر روی پوست نوشته شده بود. در سال ۱۹۵۲ غارهای دیگری متضمن نظایر آن متون در همان ناحیه کشف شد. اگرچه در آن غارها طومارهای کاملی به دست نیامد.

اما قطعات بزرگ و کوچک و حتی خرده پاره‌هایی از آن گونه طومارها پیدا شد. این طومارهای اخیر را در طول قرن‌ها موش‌های صحرائی جویده و خرد خرد کرده بودند. در اولین غاری که کشف و در آن جستجو شد طومارها در کوزه‌های گلی به دقت تمام نهاده شده بود و بدین سبب تقریباً بطور کامل محفوظ مانده بود. طومارهایی که در اولین غار کشف شد در تصرف دولت اسرائیل است. هزاران قطعه و پاره‌هایی نیز که در سال ۱۹۵۲ میلادی از درون غارهای دیگر به دست آمد اکنون در موزه باستان شناسی فلسطین در منطقه عربی اورشلیم نگهداری می‌شود. درین موزه عده‌ای از متخصصان با دقت تمام و صبر و حوصله کافی و زحمت بسیار این قطعات را باهم جور می‌کنند.

عده‌ای از محققان، بطور مستقل و بی آنکه هیچکدام از عقیده دیگری تبعیت کرده باشند از روی مندرجات اولین متنهای منتشر شده به این نتیجه رسیده اند که این طومارها باید متعلق به فرقه اسنی باشد، در واقع بدین ترتیب کتابخانه کاملی از فرقه اسنی که قبل از آن جز اطلاعات ناچیزی از آنها در دست نداشتیم به دست آمده است.

چندی بعد کاوش‌هایی در ویرانه‌ای که به «کومران» معروف است به عمل آمد و آناری که به دست آمد این فکر را که این طومارها متعلق به فرقه «اسنی» است تأیید کرد و این خرابه مجاور غارهایی که نام بردیم واقع است.

مجموعه تمام بناهای این ویرانه به موجب آنچه از ساختمان و اثنائه آن برمی آید باید بقایای مرکز یک فرقه مذهبی باشد یعنی مفر فرقه اسنی که «پلین بزرگ» محل آنها را در نواحی بحرالمیت ذکر کرده است.

باستان شناسان از زیر خاک، اطافها و سفره‌خانه‌هایی، خاص اجتماع های مذهبی و مخصوص مراسم تناول غذای دسته جمعی افراد فرقه، همراه با ظروف لازم چون بشقاب و کاسه و قندح که تقریباً برای دوست یا سیصد نفر کافی است بیرون آورده و آشپزخانه را

هم کشف کرده‌اند. مهمتر از همه تعداد زیادی آب انبار پیدا شده است که پله‌هایی برای پائین رفتن و رسیدن به آب در آنها تعبیه شده است و اسنی‌ها در این آب انبارها مراسم تطهیر روزانه خود را بجا می‌آورده‌اند، حتی نیمکت‌های گلی و میزهای تحریری که روی آن‌اسنی‌ها نسخه‌های خطی می‌نوشته‌اند پیدا شده است و دوات‌های بسیاری که با وجود خشک شدن هنوز مقداری مرکب در آنها باقی است به دست آمده است.

ساختمانها مناسب احتیاجات این جامعه دینی ساخته شده است. اسنی‌ها بناهای مہارت وضع خاصی برای ترتیب ذخیره کردن آب داشته‌اند که آن نیز کشف شده است و آب که برای تمام فرقه‌های «اهل تمعید» اهمیت بسیار دارد از کوه‌های اطراف به این ناحیه آورده می‌شده است.

سکه‌هایی به دست آمده که تاریخ‌های قابل اعتمادی دارد و نشان می‌دهد که در این بناها از اواخر قرن دوم پیش از میلاد تا سال ۶۸ بعد از میلاد اسنی‌ها ساکن بوده‌اند. اما بعد رومیها در جنگ با یهودیان آن را تسخیر کرده‌اند و سپس سربازان لژیون دهم رومی دوباره آنجا را اشغال کرده‌اند. از این زمان به بعد این بناها رو به خرابی نهاده‌اند.

اکنون روشن می‌شود که چرا نسخه‌های خطی درغارهایی تقریباً دراز دسترس، واقع در صخره‌هایی که از دستبرد مصون بوده‌اند پنهان شده‌است. در حدود سال ۶۶ میلادی مقارن آغاز این جنگ، یهودیان فرقه اسنی آنار دینی و مقدس خود و کتب عهد عتیق و متون فرقه خویش را در این غارها مخفی کرده‌اند. آن دسته از نوشته‌ها را که در نظر آنها ارزش و اعتباری خاص داشته به دقت در پارچه پیچیده‌اند و درون کوزه‌های گلی نهاده‌اند. این کوزه‌ها در کارگاه‌هایی متعلق به فرقه مزبور که ضمن کاوش در بناهای کومران کشف شده‌است ساخته می‌شد. به این ترتیب اسنی‌ها می‌خواستند در مدت جنگ این نسخه‌های خطی را حفظ کرده باشند، اما هرگز هیچیک از این فرقه بدانجا بازنگشته‌اند.

شکفت این است که در میان این طومارها دولوحه مسی نیز پیدا شده‌است. این دو لوحه مسی در اصل بهم مربوط بوده‌اند. اینها سه ورقه مسی است که هر یک ۳۰ سانتی متر پهنا و ۸۰ سانتی متر درازا دارد و به یکدیگر متصل بوده‌اند و درازای آنها جمعاً ۲/۴۰ متر است. متنی که بر روی آن لوحه‌ها حک شده است به خط «ربع» عبرانی و به صورت ستون‌هایی در برابر یکدیگر تحریر شده است.

خط با چکش در داخل صفحه کنده شده و برجستگی‌هایی در پشت صفحه باقی گذاشته است. برجستگی‌هایی که بدین گونه باقی مانده‌است نا خوانا است اما از روی آنها به خوبی می‌توان اثر نشانه‌های خط را به دست آورد. ورقه‌های نازک مسی به شکل دولوله بهم پیچیده شده است تا آنها را درغار بتوان پنهان ساخت.

در طول قرن‌ها مس زنگ زده بود بطوری که هنگام کشف، دیگر این لوحه‌ها قابلیت اعطاف نداشت، بلکه بسیار سخت و شکننده می‌نمود. با وجود این به خوبی ممکن بود آثار خطوطی را که با چکش در روی دیگر صفحه حک شده بود از پشت، باز شناخت.

در پائیز سال ۱۹۵۳ که مدتی در اورشلیم بودم با کوشش بسیار موفق به خواندن چند جمله‌ها و لغت از آن میان شدم که چون خیلی عمیق کننده شده بود از پشت طومار به اندازه کافی نمایان بود از روی این قرائن توانستم نتایجی در باره مطالب متن لوحه‌ها به دست آورم :

این دو لوحه متنی عبری است که بطور قطع نه تنها از مندرجات عهد عتیق نیست بلکه اساساً يك متن مذهبی نمی‌باشد محتمل است که فهرستی از دارائی و اموال فرقه‌اسنی و محل‌هایی که آن اموال را در آنجای مخفی کرده‌اند باشد .

طومارهای مسی به انگلستان برده شد و در زمستان سالهای ۵۶-۱۹۵۵ با نظرافت و سلیقه بسیار گشوده شد. هنوز بجز خلاصه‌ای از مضمون آنها و چند نمونه از عباراتشان چیزی منتشر نشده است. اما یقین است این طومارها فهرستی از اموال گرانبها و طلا و نقره و اشیائی چون خرقه‌ها و ردهای کهنه و گرانقیمت می‌باشد و نیز نشانی نهانگاههای این اموال در این لوحه‌ها نوشته شده است. تقریباً شصت مخفی‌گاه ذکر شده است. این مکانها بجز چند محل که در فلسطین پراکنده است، باقی همه در اورشلیم و پیرامون آن است. بهای این دفینه‌ها تقریباً معادل شش هزار تالان طلا است. بی‌شک همین مطلب سبب شده است که ج. ت. ملیک^۱ متصدی کارمتن‌های اورشلیم این فهرست را واقعی نشمرده و آن را صرفاً خیالی و کازیک دیوانه پنداشته است. من با این عقیده موافق نیستم حتی اگر فرض کنیم که این سیاهه فهرست دارائی خصوصی فرقه‌اسنی نباشد، ناچار باید صورتی از دفینه‌های هیکل اورشلیم و مخفی‌گاههای آن باشد که در سالهای ۶۶ یا ۶۷ بعد از میلاد در آغاز جنگ یهود تنظیم شده است.

البته اظهار عقیده قطعی را هنگامی می‌توان کرد که تمام متن طومارها منتشر شود. این طومارهای چرمی هم چون لوحه‌های مسی جالب‌اند، زیرا عقاید و آراء این فرقه را درباره علم کلام و الهیات و تشکیلات فرقه‌اسنی بر ما روشن می‌دارند. این متن‌ها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد. دسته اول نسخه‌های خطی کتب عهد عتیق است. همه اسنی‌هایی که قوانین موسی را رعایت می‌کرده‌اند و یهودیهائی متدین بوده‌اند کتب عهد عتیق را داشته‌اند.

بدین ترتیب ما از غار مشهور به (ك . ۱۰) که در ۱۹۴۷ کشف شد دو نسخه خطی از کتاب اشعیا داریم. یکی ازین دو نسخه بطور یقین پیش از سال ۱۰۰ قبل از میلاد نوشته شده است.

غار معروف به (ك . ۴) که در سال ۱۹۵۲ قطعات زیادی در آن کشف شد و فقراتی بیش و کم جامع و کامل، تقریباً از تمام کتب عهد عتیق به دست داد، از این قطعات تقریباً ۱۲ یا ۱۳ نسخه از بعضی کتب عهد عتیق پیدا شده است. کتب مجعول و نسخه‌های غیر

موفق عهد عتیق نیز قسمتی از همین کتاب های کتابخانه اسنی ها بوده است. فعلاً چنین حدس زده می شود که بعضی از قسمتهای عهد عتیق را اسنی ها تصنیف کرده اند.

این مطلب مخصوصاً درباره کتابهای خنوخ و عهد منسوب به «اسباط اثنی عشر»^۱ و کتاب «بوییل ها»^۲ صادق است. متن این هر سه کتاب بهر دو زبان عبری و آرامی پیداشده است. قسمت سوم از نظر تاریخ ادیان بسیار مهم است، زیرا شامل متونی است که به فرقه اسنی اختصاص دارد و قبل از کشفیات کومران بکلی بر ما مجهول بود. آنچه از (ک. ۱) به دست آمده عبارتست از:

الف - قانون جامع و کامل فرقه اسنی که مجموع مراسم اجتماع امت و خاصه آداب مشرف و ورود اعضا جدید و همچنین مراسم سوگند خوردن آنها را هنگام قبول عضویت بیان می دارد و نیز مشتمل است بر تفصیل مقررات انضباطی، مهمتر از همه اطلاعاتی است در باب عقاید و تعالیم این فرقه، راجع به مباحث و مسائل مختلفی درباره احوال انسان و معرفت خداوند که به برادران دینی تعلیم می داده اند.

ب - مجموعه کاملی از سرودها و مزامیر که هر چند از روی مزامیر عهد عتیق تقلید شده اند لیکن در هر حال بکلی آثاری دیگر به شمار می آیند و اگر بتوان این تعبیر را به کاربرد شاید این مجموعه را می توان کتابی مشتمل بر سرودهای مذهبی فرقه اسنی شمرد.

ج - شرح جنگ و کشمکش میان پسران روشنائی و پسران تاریکی - در این جنگ پسران روشنائی اعضاء جمعیت برادری فرقه هستند، در حالی که پسران تاریکی هیچکدام متعلق به آن نمی باشند. این قسمت به شکل فرمانها و دستورالعمل های مشروح و مفصلی است که در میدان جنگ و با میدان تمرین های نظامی صادر می شود و متضمن بیان درجه های اخروی اعضاء این مجمع برادریست در جنگ و محاربه ای که بادیائی سراپا کفر در پیش دارند.

د - تفسیری در باره کتاب حقیق نبی که در آن کلمات آن پیغمبر عهد عتیق با احوال جمعیت برادری فرقه اسنی و با سر نوشت و مصائب و آلام افراد آن جمعیت منطبق شده است. در سراسر این تفسیر نقش مهم و خاصی به استاد فرقه نسبت داده شده است و او را «معلم عدالت» می خوانند که سر تمام کلمات انبیاء را کشف کرده و آن را بر یاران و برادران مشکوف داشته است و با اینهمه خود او به وسیله «کاهن اعظم» از معبد اورشلیم رانده شده است.

تمام این متن ها اکنون در دسترس مراجعه کنندگان است، با این تفاوت که فقط در باب یک طومار تنها تحقیقاتی مقدماتی صورت گرفته است. باز کردن این طومار آسان نبوده است اما در زمستان سال ۱۹۵۵-۵۶ در دانشگاه عبری اورشلیم آن را با موفقیت باز کردند. این نسخه مانند دیگر طومارها به خط عبری نبود، بلکه به خط آرامی و شامل بحث

۲- از کتب غیر موفق منسوب

۱- مقصود دوازده پسران یعقوب است

به عهد عتیق است.

و تفصیل زیاد در باب قصه‌ها و داستان‌های سفر تکوین بود .
 به متون (ک . ۱) مواد زیادی از (ک . ۴) افزوده شده است ولی مقدار بسیاری
 از مطالب اضافه شده هنوز منتشر نشده است . این قسمت که هنوز منتشر نشده است دارای
 اطلاعاتی است راجع به مقررات این فرقه و مطالبی در باب « جنگ پسران روشنائی با پسران
 تاریکی » . این متن‌ها در بسیاری موارد مطالبی را که با مطالب متن‌های (ک . ۱) کاملاً
 تفاوت دارد و نسخه بدلهای آنها به شمار می‌آید به دست می‌دهد . همچنین تفسیرهایی است
 متعلق به کتابهای مختلف دیگر عهد عتیق که مانند تفسیر حبقوق است که از (ک . ۱۰)
 به دست آمده است . بین این تفسیرها مهم‌تر از همه تفسیری است بر کتاب ناحوم که قسمتی
 از آن منتشر شده است . در بهار سال ۱۹۵۵ که در اورشلیم بودم توانستم قسمت‌هایی از این
 قطعات را به دست آورم که در آنها اشاره به اسکندر جانیوس^۱ پادشاه هاسمونی^۲ شده است
 که در حدود سنه ۹۰ قبل از میلاد می‌زیسته است .

تا کنون در حوالی کومران بلزده غار کشف شده است که از آنجا چنین متونی
 به دست آمده است . همه این متن‌ها بطور مسلم توسط فرقه اسنی در این غارها مخفی شده
 است و امروز از روی نام تازه‌ای که به سرزمین اسنی داده شده است آنها را به اسم « متن‌های
 کومران » می‌خوانند ، در زبان انگلیسی غالباً آن‌ها را « طومارهای بحرالمیت » می‌نامند .
 آخرین غار که (ک . ۱۱) خوانده می‌شود در اوایل سال ۱۹۵۶ کشف شد . چند
 نسخه از تورات در این غار به دست آمد که می‌گویند از سفر لاریان تا نسخه آرامی ترگوم
 کتاب ایوب را شامل است .

از این متن‌ها به چیزهایی در باب طرز فکر و نحوه اعتقاد این فرقه در مسائل الهیات
 می‌توان پی برد و دریافت که چه رابطه‌ای میان عقاید فرقه اسنی و نوشته‌های انجیل وجود دارد .
 قبل از هر چیز حقیقت و سر معنی تعمید و غسل در بین اسنی‌ها را از این متون می‌توان
 دریافت . بر حسب تعلیم این متون کسی که تعمید می‌شود کفاره گناهانش را می‌دهد و
 آموزش و بخشش خداوند را به دست می‌آورد اما این تعمید فقط برای کسانی است که
 تغییر مذهب می‌دهند و از شرارت و تبه‌کاری به سوی خدا باز می‌گردند و این در واقع
 همان چیزیست که رفس (۱ ، ۴) در باب تعمید یحییای تعمید دهنده می‌گوید که :
 « تعمید توبه جهت آموزش گناهان » است .

آیا یحییای تعمید دهنده خود از فرقه اسنی بوده است ؟ یقیناً نه ، زیرا او تنها
 یکبار تعمید می‌داد ، اما اسنی‌ها ناچار بوده‌اند که مکرر و بطور مرتب غسل و تعمید بجا
 آورند . بعلاوه تعمید یحییی به منظور اجازه تشریف به سلك يك فرقه مذهبی یعنی فرقه‌ای
 که دارای تشکیلاتی دقیق و سلسله مراتب روحانی باشد نبود و مانند فرقه اسنی احتیاج به طی

مراحل نوآموزی و تعلم و ریاضت نداشت . با این وجود بی شک میان تعالیم یحیی و عقاید و اطوار خاص فرقه اسنی روابطی بوده است .

مراسم قدیم ترین غذای مشترك كه كليسای قدیم آن را بجا آورد شباهت بسیار با تشریفات غذای مشترك فرقه اسنی داشت از آن جمله رهبر جماعت كه در میان اسنی ها همیشه كشیفی بود كه در مقابل نان و شراب دعای برکت می خواند و نیز اشتراك در اموال و دارائی كه در كليسای قدیم اورشليم معمول بود نیز باید با مراسم اسنی ها كه اموالشان مشترك بوده است ارتباط داشته باشد .

عقاید مذهبی اسنی ها دلالت بر تنویتی اساسی می كند . خدا در مقابل شیطان كه اورا بلیعال می خوانند قرار دارد . چنانكه پولس رسول نیز يكبار خدا و شیطان را در برابر هم می گذارد (۱۵ ، ۶ . رساله دوم پولس رسول به قرنتیان) . دنیا در بندگی شیطان است ، مردمانی كه زیر سلطه شیطان قرار دارند « پسران تاربیکی » یا « مردان ببه كار » و « اهل باطل » می باشند در مقابل اینها اعضای جمعیت برادری كه یازان خدا هستند قرار دارند اینها « پسران روشنائی » ، « مردان پارسا » و « اهل حق » بشمارند . اراده خداوند بر این است كه سر نوشت مردم با تعلق به یکی ازین دو دسته تعیین شود بنابراین این مردم همه یا تحت نفوذ روح حقیقت هستند و یا تحت نفوذ روح باطل كه فرشته تاربیکی است . رفتار مردم سر نوشت آنها را نشان می دهد چون اینها یا به سوی زندگانی سراپا گناه و كفر می روند و یا حاكم خدا را گردن می نهند و به سوی او هدایت می شوند و خوش آیند او هستند . سر نوشت غائی آنها از ازل معلوم است . این سر نوشت یا هلاکت و تباهی ابدی است یا روشنائی زندگانی و خوشی جاودان .

اکنون معلوم شده است كه تنویتی مندرج در انجیل یوحنا كه عین همان اصطلاحات تنویتی رائج در بین اسنی ها را به كار برده است ناشی از يك سلسله سنت های كهن است كه امروز دیگر عموماً احوال و کیفیات آن سنت ها معلوم شده است . از جمله در انجیل یوحنا تضاد بین « روشنائی » و « تاربیکی » (انجیل یوحنا ۱ - ۵) « حقیقت » و « دروغ » (انجیل یوحنا ۸ - ۴۴) ، « در ظلمت سالك شدن » ، « نور حیات یافتن » (انجیل یوحنا ۸ - ۱۲) همچنین تضاد (رساله اول یوحنا رسول ۴ - ۶) بین « روح حق » و « روح ضلالت » آمده است و هر چند بین اینها بطور قطع رابطه ای وجود دارد اما تضاد و اختلاف اساسی نیز به همان درجه آشكار است . یوحنا بر خلاف اسنی ها رستگاری را فقط در شخص عیسی می یابد ، در نظر او تنها عیسی است كه « نور حیات » و « حقیقت » و « راه » به شمار است .

آیا عیسی خود يك اسنی بوده است ؟ نه ، اما این نکته بسیار پرمعنی و جالب است كه بلافاصله بعد از انتشار اولین متن غارهای كورمان دوباره سخنان مبالغه آمیز قدیم و فرضیه ها و تفسیرهای داستان مانند درباره وجود « عیسی اسنی » با صورت تازه ای ، دیگر باره پدید آمد و زندگی از سر گرفت .

«دویونت سامر» خاور شناس فرانسوی این مسأله را پیش کشید که رئیس فرقه و آن کسی که به عنوان «معلم عدالت» مکرر در تفسیر حبقوق نامش به میان می آید (نام شخصی او هنوز برای ما ناشناس مانده است) مصلوب شده بوده است و اسنی ها معتقدند که او بعد از دفن شدن نیز از قبر برخاسته است و روز قضاوت و دادرسی از آسمان فرود خواهد آمد. نتیجه و حاصل این بیان این است که ایمان مسیحیان به مصلوب شدن عیسی و قیام او از میان مردگان و ظهور دوباره او همه تقلیدی است از آنچه اسنی ها یک قرن پیش درباره پیشوای خود بدان معتقد بوده اند.

در فوریه سال ۱۹۵۶ محقق جوانی انگلیسی به نام «آلکرو» که در اورشلیم راجع به قطعات (ک. ۴) مطالعه کرده بود در گفتاری که در رادیو انگلستان (B.B.C) ایراد کرد نظریه «دویونت سامر» را تأیید کرد. در اصل متون هیچ چیز که مؤید این دعوی باشد وجود ندارد و اینها اساس فرضیه خود را به استنباطات غلط و بر آنچه «دویونت سامر» جهت تکمیل جاهای خالی متون پیش خود بر آنها افزوده است، نهاده اند در صورتی که دانشمندان معروف جهان که با این متون سروکار داشته اند در عقیده‌ای غیر از آنچه آنها می گویند متفق‌الرأیند.

درباره «معلم عدالت» متن‌های تازه چیزی بیش ازین نمی گوید که او رهبر فرقه بود و به دست «کشیشی شریب و بدکار» شکنجه و هلاک شد. کلمه ای از مصلوب شدن او و خاصه چیزی درباره قیام از میان مردگان و ظهور دوباره او درین نیست. این مطالب در نامه‌ای خطاب به روزنامه «نایمز» که توسط تمام دانشمندانی که در اورشلیم کار می کردند (به استثناء آلکرو) نوشته شده بود، اظهار شد.

اساس نظر این دانشمندان بررسی و تحقیق هائی بود که بر اساس متنهای منتشر

شده و متن‌های منتشر نشده متکی بود. با این همه اظهار نظر هائی چنین که مبتنی بر جاهلبداری و تعصب است نباید سبب

شود که ما امکان رابطه‌ای را میان عیسی و فرقه اسنی بکلی نا دیده بپنداریم. تأیید امکان این ارتباط مستلزم مطالعه و دقتی بیشتر است و البته در روشن شدن تاریخ ادیان نیز اهمیت بسیار دارد. چنانکه بین تعالیم فرقه اسنی با این امر که عیسی کار خود را مبارزه‌ای با قدرت شیطان و در واقع اقدام جهت تخریب ملکوت شیطان - یا به عبارت دقیق تر - ایجاد ملکوت خدا تلقی می کرد باید ناچار رابطه‌ای وجود داشته باشد (انجیل لوتا ۱۱ - ۲۰ - ۲۲). در هر حال محقق است که عیسی بهیچوجه اسنی نبوده است و هرگز جمعیتی پنهانی یا فرقه‌ای محدود و دارای تعلیمات و مقرراتی مخفی تشکیل نداده است برعکس پیام مسرت انگیز خود را بیاجکیران و گناهکاران اعلام داشته است همچون دوستی گناهکاران را بیازگشت بسوی خدا دعوت کرده است. بازگشت بسوی خدائیکه از توبه بگتن گناهکار بیش از توبه نود و نه تن بیگناه خوشحال میشود (لوتا: ۱۴) همه را از درماندگان و گوران و جز آنها بظیافت بزرگ خداوند دعوت می کند (لوتا: ۲۱-۱۴) و این پیام عیسی البته مؤثر و قوی است و کاملاً تازه کی دارد و لحن آن نیز بهیچوجه با لحن کلام اسنی‌ها شبیه نیست.